

## تلاش ارتجاع برای گسترش شکاف در جبهه ضد استبداد و ضرورت هوشیاری و مقابله با این توطئه



شماره ۸۰۴، دوره هشتم  
سال بیست و سوم ۲ آذر ۱۳۸۷

دامن می زنند. این نوع جو سازی آن هم در اوضاع فوق العاده حساس و بغرنج حاکم بر میهن ما که نیازهای واقعی جنبش ضرورت نزدیکی هر چه بیشتر احزاب، سازمان ها و نیروهای معتقد به آزادی و عدالت اجتماعی و تامین منافع ملی را برجسته ساخته و می سازد. حداقل از سوی برخی جریانات، نشریات و محافل معین نمی تواند

چندی است برخی پایگاه های خبری و هماهنگ با آنها تعدادی از مطبوعات داخل و خارج کشور در به اصطلاح بحث و بررسی های خود از حوادث تاریخی از جمله کودتای آمریکایی-انگلیسی ۲۸ مرداد و ارزیابی نقش و جایگاه نیروها و احزاب سیاسی مختلف در این حوادث، بر طبل تفرقه و جدایی می کوبند و با عمده ساختن مسایل فرعی و غیر عمده خواسته یا ناخواسته به جو بی اعتمادی و فضای آلوده به پیش داوری های ذهنی

ادامه در صفحه ۳

## به نام کارگران، به کام کلان سرمایه داران

در اوایل آبان ماه سال جاری یکی از اعضای شورای عالی تامین اجتماعی در مورد بدهی های دولت به سازمان تامین اجتماعی در مصاحبه ای با خبرنگاران از وضعیت فوق العاده وخیم این سازمان پرده برداشت و اعلام کرد، دولت در حال حاضر ۱۰ هزار میلیارد تومان به تامین اجتماعی بدهکار است!

پس از این موضع گیری، خبرگزاری ایلنا ۱۴ آبان ماه گزارش نشست مسئولان خانه کارگر و اتحادیه پیشکسوتان کارگری را انتشار داد. در این گزارش معاون دبیر کل خانه کارگر یعنی تشکل وابسته به رژیم ولایت فقیه در سخنانی یادآوری کرد: "در رابطه با مطالبات تامین اجتماعی از دولت، هر وقت خواستار این مطالبات شدیم دولت اعلام کرد نداریم! حتی وقتی قیمت نفت ۱۴۰ دلار هم شد، دولت حرف خود را تکرار کرد، چگونه دولت از پرداخت ۱۰ هزار میلیارد تومان مطالبات تامین اجتماعی امتناع می کند و حاضر نیست تعهدات خود را نسبت به این صندوق عملیاتی کند تا این صندوق نیز بتواند همانند سایر صندوق های برخوردار از منافع سرشار نفتی، حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی را افزایش دهد."

در حال حاضر کلیه کارشناسان و نیز فعالان جنبش سندیکایی، اعلام می کنند وضعیت سازمان تامین اجتماعی بحرانی و صندوق آن تهی است. در این زمینه معاون پیشین حقوقی و امور مجلس

ادامه در صفحه ۲

## وظایف دشوار و تاریخی جنبش دانشجویی در شرایط بغرنج کنونی

### استوار باد پیوند جنبش دانشجویی با جنبش کارگری و مبارزات قهرمانانه زنان میهن!

دهه گذشته تاریخ معاصر ایران نقش قاطع و موثری در تحولات برعهده داشته اند. با تاسیس و گسترش دانشگاه ها و

امسال دانشجویان مبارز و آزادی خواه کشور در حالی به استقبال برگزاری ۱۶ آذر می روند که جنبش دانشجویی میهن ما سال دشواری را در شرایط فشارهای



مراکز آموزش عالی، که خود نمره مستقیم انقلاب مشروطیت به شمار می آید. جنبش دانشجویی پا گرفت و به مثابه یک جنبش اجتماعی ترقی خواه

سرکوب گرانه رژیم ارتجاع پشت سر گذاشت و در این مصاف نابرابر تجربیات خود را غنی تر ساخت. روز دانشجو (۱۶ آذر ماه) هر ساله یاد آور مبارزات خستگی ناپذیر جوانان پرشور و آرمان خواهی است که در طول هشت

ادامه در صفحه ۶

## با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

### برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم "ولایت فقیه!"



عاده جدی در سازمان تامین اجتماعی و درهمین رابطه پامال شدن حقوق میلیون ها کارگر میهن ما، بدهی کلان کارفرمایان به سازمان تامین اجتماعی است. برآوردهای رسمی حاکی است، کارفرمایان تا پایان سال ۱۳۸۷ بیش از ۱۶ هزار میلیارد ریال بابت حق بیمه کارگاه های خود به سازمان تامین اجتماعی بدهکارند و علی رغم بخشودگی خسارات، زمان بندی و بخشودگی حتی ۵۰ درصدی بدهی، هیچ اشتیاقی برای بازپرداخت بدهی خود نشان نمی دهند و تحت حمایت اتاق بازرگانی و وزارت کار و امور اجتماعی صراحتاً خواستار حذف کامل حق بیمه کارفرما از قوانین هستند.

یکی از محورهای اصلی برنامه مقررات زدایی و اصلاح و تغییر قانون کار در چارچوب برنامه تحول اقتصادی و حذف یارانه ها، همین حذف و لغو مواد و قوانین مربوط به بیمه اجباری و اجباری بودن بیمه ها است که با مخالفت شدید و جدی زحمتکشان روبرو بوده و خواهد بود. در این مورد، خصوصی سازی بیمارستان ها و درمانگاه های سازمان تامین اجتماعی مثالی گویا و به اندازه کافی روشنگر می باشد. دولت احمدی نژاد در چارچوب برنامه خصوصی سازی از طریق وزارت کار طرح به اصطلاح هیات مدیره ای شدن بیمارستان ها و مراکز درمانی تامین اجتماعی را تهیه و در صدد اجرای آن است. وزیر کار در جلسه نمایندگان کارگری، کارفرمایی و دولت که در اواسط آبان ماه امسال در بندر انزلی برگزار شد، این مساله را با تاکید مورد پشتیبانی قرار داد. ایلنا ۱۸ آبان ماه ضمن درج گزارش این جلسه از قول کارگران نوشت: "نظر کارگران در مورد طرح هیات مدیره ای شدن بیمارستان ها که همان خصوصی سازی است، در نظر گرفته نمی شود. هیات مدیره ای شدن بیمارستان ها باعث کاهش خدمات درمانی خواهد شد. چون اداره هیات مدیره ای براساس قانون تجارت است و در این قانون سود مهم است."

سازمان تامین اجتماعی با توجه به برنامه تحول اقتصادی و خصوصی سازی و مقررات زدایی، بیش از پیش هویت و جایگاه خود را از دست خواهد داد و در این بین کارگران و زحمتکشان و میلیون ها زحمتکش بازنشسته خسارات جبران ناپذیر متحمل می شوند. برنامه های رژیم ولایت فقیه و بویژه دولت ارتجاعی و کارگر ستیز احمدی نژاد در خصوص نظام تامین اجتماعی و عملکرد سازمان تامین اجتماعی به شدت به زیان زحمتکشان است و فقط و فقط منافع کلان سرمایه داران و لایه های انگلی جامعه را تامین می کند.

## ادامه به نام کارگران ...

تامین اجتماعی در جریان نشست تخصصی این موسسه دین و اقتصاد جمهوری اسلامی در یک سخنرانی یادآوری کرد: "در کشورهایی که به دنبال اجرای سیاست تعدیل و حذف یارانه هستند (منظور طرح تحول اقتصادی دولت احمدی نژاد است) سعی می گردد قبل از اجرای این سیاست ها نظام تامین اجتماعی کارآمدی داشته باشند تا تور ایمنی برای طبقاتی که در اثر اجرای این سیاست ها آسیب می بینند ایجاد کنند ولی در حال حاضر نظام تامین اجتماعی در مقطع کنونی به هیچ عنوان قادر به تحمل اجرای اینگونه سیاست ها نبوده و در حالی که هنوز شوک قیمتی ناشی از حذف یارانه ها ایجاد نشده است، نظام های بیمه ای از جمله سازمان تامین اجتماعی در وضعیت مخاطره آمیزی قرار گرفته است."

نکته ای که نباید از آن چشم پوشی کرد، عبارت است از اینکه دولت مدعی عدالت محوری با وجود علم به وضعیت مخاطره آمیز تامین اجتماعی درست در جهت منافع کلان سرمایه داران در موارد متعدد به بخشودگی سهم حق بیمه کارفرمایان مبادرت کرده است و در عین حال بدهکاری کارفرمایان را نیز در این مورد نادیده گرفته و یا با تصویب موادی آن را بخشیده، ولی در همان حال میلیون ها کارگر نه تنها سهم بیمه خود را مرتب پرداخت کرده اند، بلکه با وجود این از مزایای بیمه ای تامین اجتماعی و حق بازنشستگی محروم مانده اند! براساس آمار بیش از ۶۴ درصد جمعیت شهری و ۴۳ درصد جمعیت کل کشور تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی قرار دارند.

این سازمان در برابر حق بیمه ای که دریافت می کند، بیش از ۲۰ نوع خدمت ارائه می دهد که مهمترین آنها عبارتند از: پرداخت مستمری بازنشستگان، از کار افتادگی، خدمات درمانی، غرامت دستمزد ایام بیماری، غرامت دستمزد ایام بارداری، غرامت نقض عضو، غرامت فوت و کمک ازدواج. علاوه بر این روزنامه سرمایه ۶ آبان ماه امسال در گزارشی از وضعیت تامین اجتماعی خاطر نشان ساخت: "۷۰ تا ۸۰ درصد مستمری بگیران صندوق های بیمه و بازنشستگی سازمان تامین اجتماعی زیر خط فقر هستند و با مستمری محدود کنونی قادر به تامین هزینه های زندگی خود نیستند. وجود ۷۰ تا ۸۰ درصد مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی در زیر خط فقر در حالی است که این سازمان بیش از ۶۳ درصد جمعیت شهری را زیر پوشش خود دارد و آمارهای رسمی نیز خط فقر شهری (غیر از تهران) را ۴۵۰ هزار تومان اعلام کرده اند."

در این میان ذکر این مساله نیز حائز اهمیت فراوان است که با برنامه های دولت ضد مردمی احمدی نژاد نظیر رواج قراردادهای موقت و تزیق منابع مالی به طرح کارگاه های زود بازده، تعداد بیمه شدگان و بیمه پردازان سال ۱۳۸۷ در ۲۶ استان کشور کاهش یافت، علاوه بر این سازمان تامین اجتماعی به علت فشار دولت نهم از وظیفه قانونی خود یعنی افزایش مستمری ها مطابق نرخ تورم کوتاهی کرده و این امر اعتراضات بسیاری را میان زحمتکشان، بازنشستگان و مستمری بگیران موجب گردیده است.

همچنانکه قبلاً نیز اشاره کردیم یکی از دلایل بحران فوق

## ادامه تلاش ارتجاع برای ...

توهین می کردند..... اگر در آن دوران آیت الله کاشانی نبود، ایران امروز گرجستان بود. دکتر فاطمی خیلی راحت با توده ای ها همکاری می کرد. او حتی در منزل سروان محسنی که از توده ای های به نام بود دستگیر شد و در زمان دستگیری طبق اسناد موجود یک تراول چک ۳۰ هزار دلاری و دو فرستنده همراه داشت.

علاوه بر این و همزمان با چنین تبلیغات حساب شده ای، قوام السلطنه ناگهان "قهرمان ملی" می شود و در مقایسه با مصدق فردی خوشنام و کامیاب معرفی می گردد! در این خصوص چندی پیش پایگاه اطلاع رسانی نیروهای ملی-مذهبی ضمن دفاع از حقانیت مصدق در برابر اشخاصی چون قوام با انتقاد از اینگونه تاریخ سازی ها نوشت: "طی ماه گذشته بحث در گرفته در مورد مقایسه قوام، مصدق..... ابعاد گوناگون یافت، تا جایی که برخی از روزنامه نگاران و طرفداران نهضت ملی را به قضاوت برتری قوام بر مصدق کشانید. به نظر می رسد که این گونه برتری دادن قوام بر مصدق جای ملاحظه فراوان دارد....."

درست در همین رابطه نیز نشریه "شما" وابسته به هیات های مولفله طی چند رشته مصاحبه و مقاله به تحریف تاریخ و سابقه مبارزاتی نیروهای ملی و وارونه جلوه دادن جایگاه تاریخی شخصیت هایی چون آیت الله طالقانی پرداخته است که برخی فعالین سرشناس طیف ملی-مذهبی از آن تحت عنوان "تهمت و افترا زدن آن هم به دروغ" یاد کردند.

بنابراین نمی توان میان اینگونه تبلیغات در داخل کشور با جوسازی و تفرقه افکنی حساب شده برخی جریانات، محافل و نشریات و پایگاه های اینترنتی خارج کشور که با ظاهر "ملی" و یا "چپ" صورت می گیرد ارتباط و پیوند موجود را نادیده گرفت. در اوضاع کنونی حفظ هوشیاری و پرهیز از افتادن به دام جنگ روانی-تبلیغاتی ارتجاع از اهمیت دو چندان برخوردار است. بدون تردید میان نظرات و دیدگاه های حزب ما و نیروهای مختلف ملی نظیر جبهه ملی ایران، طیف نیروهای ملی-مذهبی، حزب ملت ایران و جز اینها تفاوت هایی جدی وجود دارد. اما تفاوت و اختلاف در دیدگاه و بینش نمی تواند و نباید مانع مبارزه مشترک برای اهداف مشترک شود. علاوه بر این با وجود اختلاف در بینش، نقاط اشتراک و آماج های یکسان در صحنه سیاسی امروز میان ما وجود دارد که با احساس مسئولیت در قبال آینده میهن می توان با تاکید بر آنها در مسیر اتحاد عمل گام گذاشت. ارتجاع حاکم و جریانات غیر مسئول و بعضا تفرقه افکن در اوضاعی بر طبل نفاق و پراکندگی می کوبند که بیش از هر زمان دیگری به اتحاد و نزدیکی نیاز است.

زمینه های عینی و ذهنی این نیاز تاریخی نیز کم نیستند. به طور مثال ۱۹ آبان ماه سالروز تیرباران زنده یاد حسین فاطمی شخصیت برجسته ملی کشور است. آن جنایتکارانی که به دستور امپریالیسم و ارتجاع سینه روزبه ها، سیامک ها، کیوان ها و فاطمی ها را آماج گلوله قرار دادند از اهداف مشترک آنها هراس داشتند.

بجاست از درس های تاریخ پیاموریم و برای امر خطیر استقلال میهن و آزادی مردم از تفرقه و پراکندگی فاصله بگیریم. نباید گذاشت ارتجاع حاکم و نیروهای ضد مردمی و مخالف استقلال و پیشرفت کشور، با جو سازی و دروغ پردازی عامل تفرقه و پراکندگی را تقویت و صفوف جنبش دمکراتیک و آزادیخواهانه مردم ایران را متفرق و ضعیف سازند.

اتحاد عامل پیروزی و کامیابی در مبارزه بر ضد ارتجاع و استبداد است و به همان میزان تفرقه و اقدامات تبلیغی تفرقه آفرین موجب ادامه حیات استبداد و خودکامگی می گردد!

تصادفی وبدون هدف و برنامه قبلی ارزیابی شود. بویژه آنکه به موازات تشدید رویارویی در حاکمیت و ژرفش شکاف میان جناح های مختلف طیف ارتجاع حاکم و ناتوانی مجموعه رژیم ولایت فقیه، شاهد افزایش این اقدامات تفرقه آفرین هدفمند هستیم. آلودن فضای سیاسی موجود و رودررو قرار دادن احزاب و سازمان های ملی و میهن دوست و مترقی و ایجاد جو بدبینی خصوصا توسط نشریات و پایگاه های اینترنتی و خبرگزاری های خارج از کشور در هفته های گذشته رواج چشم گیر یافته است.

بطور مثال با دستاویز قراردادن کودتای ننگین ۲۸ مرداد یکی از نشریات اینترنتی خارج از کشور با ماسک دفاع از "چپ" به نیروهای ملی حمله کرده و با تیترو سازی جنجالی آنها را "مدعیانی بنام ملیون" خوانده است که پس از گذشت چندین دهه کماکان واقعیت را انکار می کنند. در مقابل نشریه و خبرگزاری دیگری با ظاهر "ملی" به زعم خود به بررسی علل حمله به نیروهای ملی از سوی جریانات دیگر پرداخته و به جای ارایه تحلیل، با زبانی ناشایست حزب توده ایران، نیروهای ملی-مذهبی و بویژه جناح چپ طیف نیروهای ملی-مذهبی را به باد "انتقاد" گرفته است. این نوع تبلیغات غیر مسئولانه و کاملاً بی پایه و صرفاً تفرقه آفرین، همسو با اقدامات تبلیغاتی است که از مدتی قبل در جمهوری اسلامی از سوی نهادها و محافل شناخته شده ای در دفاع از قوام السلطنه، آیت الله کاشانی، انجمن حجتیه و جز اینها آغاز شده و به انحاء مختلف بیان می گردد. یک نمونه گویای آن مقاله ای است که در بخش تاریخ ایران هفته نامه اعتماد به تاریخ ۱۱ آبان ماه امسال انتشار یافته و با استناد به خاطرات چهره های مرتجعی چون آیت الله خزعلی، فلسفی و برخی جزوات "مرکز اسناد انقلاب اسلامی"، حزب ما و دکتر محمد مصدق را نسبت به رژیم سلطنتی "افسد" به "فاسد" معرفی ساخته و نتیجه می گیرد که دفاع روحانیت از شاه و کودتای ۲۸ مرداد به این دلیل بود که مصدق دنباله روی حزب توده ایران شده بود و به همین دلیل حمایت از شاه ضرورت داشت! در این مقاله که با نام "مصدق، شاه و حزب توده ایران" منتشر شده از جمله می خوانیم: "در جریان وقایع مربوط به دوره نخست وزیری مصدق، موضع گیری آیت الله بروجردی ویژگی خاصی داشت. در دوره مصدق، دشمنی قوی تر از شاه (حزب توده) برای دین و علما وجود داشت. اگر تنها شاه وجود می داشت، ایشان تنها دشمن شاه می شد. یعنی در واقع شاه مثل مترسکی بود که با وجودش توده ای ها شکسته می شدند. نظر آیت الله بروجردی این بود که باید اول حزب توده از صحنه محو شود... بعد از کودتا، آیت الله العظمی بروجردی تلگرافی به شاه فرستاد و این کار نه به دلیل علاقه به شاه بلکه به سبب کینه نسبت به حزب توده بود. حزب توده در حال اوج گیری بود و شاه به خاطر دشمنی با حزب توده می توانست جلوی آن را بگیرد. امام (ره) هم درباره حزب توده چنین تحلیلی به کار برد. عده ای می گفتند ما با حزب توده همراه و همسو باشیم چون آنها هم در فکر برانداختن رژیم شاه هستند اما امام در جواب کسانی که این حرف ها را می زدند، واکنش تند نشان داد و گفت: چی، ما با توده ای ها همسو و هم هدف باشیم، اگر این کار را بکنیم با شاه هم دست شویم، بهتر است آقای بروجردی هم همین هدف را دنبال می کرد....."

هم چنین در ادامه چنین تبلیغاتی، روزنامه کارگزاران ۲۱ آبان ماه در مصاحبه ای با محمد مهدی عبد خدایی از مریدان نواب صفوی، می نویسد: "دکتر مصدق دست توده ای و کمونیست باز گذاشته و آنها به همراه جبهه ملی در روزنامه های خود به مقدسات دینی





### آزادی برای همه دانشجویان در بند!

شد. حکم امیر امیرقلی از دیگر دستگیر شدگان آن روز نیز به مانند ایگدر شش ماه حبس تعزیری است که آن هم به صورت شفاهی به او ابلاغ شد.

صدور چنین احکام ناعادلانه ای ادامه سیاست ایجاد رعب و وحشت و افزایش اعمال فشار بر فعالان و مبارزان جنبش مردمی است

که در عین حال هراس ارتجاع از رشد اعتراضات مردمی را نیز به نمایش می گذارد. احکام ناعادلانه در حق دو جوان مردمی و میهن دوست در کنار احکام غیر انسانی برای تعداد دیگری از دستگیر شدگان مراسم فاجعه ملی در سال گذشته که اینک هر یک به زندان های ۱ تا ۷ سال محکوم شده اند، از سوی همه احزاب و سازمان های ملی و مترقی مردود شمرده و محکوم می شود. باید برای آزادی این زندانیان سیاسی تلاش را باید تشدید کرد!

### بار اصلی بحران بر دوش کارگران است!

وخامت اوضاع اقتصادی کشور و افزایش سرسام آور بهای کالاها و خدمات مصرفی در کنار رکود و تعطیلی کارخانه ها و مراکز تولیدی و صنعتی، وضعیت دشواری را بویژه برای کارگران و زحمتکشان پدید آورده است. یکی از این معضلات بیکاری گسترده مزدبگیران در اثر سیاست های ضد مردمی ارتجاع حاکم می باشد.

خبرگزاری کار ایران - ایلنا - ۲۸ مهرماه امسال در گزارشی از قول وزیر کار دولت احمدی نژاد به رشد نرخ بیکاری در کشور اشاره کرد. ایلنا نوشت: "وزیر کار و امور اجتماعی با تاکید بر اینکه با توجه به روند موجود قطعا نرخ بیکاری در سال جاری تک رقمی نخواهد بود، تصریح کرد، حاصل این اتفاقات موجب شده که نه تنها امسال نرخ بیکاری تک رقمی نشود، بلکه به دلیل افزایش بیکاری و ورود نیروهای جدید به بازار نرخ بیکاری باز هم افزایش یابد."

در ادامه این گزارش تاکید گردیده، مشکلات بسیاری برای تولید، کارگران و به خصوص سرمایه در گزارشی واحدهای تولیدی هست به طوری که براساس آخرین آمارهای منتشره درشش ماهه نخست سال جاری بیش از ۲۵۰ هزار نفر از کارگران بیکار شده اند، این آمار جدا از آمار مربوط به بیکاری بخشی از کشاورزان است که به دلیل خشکسالی سال جاری اتفاق افتاده است!

هم اکنون بسیاری از کارخانه ها و واحدهای تولیدی و صنعتی زیر ظرفیت واقعی خود فعالیت می کنند و آن دسته از کارگرانی که هنوز به صف بیکاران رانده نشده اند، در بیم و هراس از پایمال شدن امنیت شغلی خود قرار دارند. در چنین اوضاعی گروهی از کلان سرمایه داران با حمایت آشکار دولت احمدی نژاد به نام نوسازی و افزایش تولید، کارگران با سابقه را اخراج و سپس آنها را بصورت موقت و قراردادی استخدام می کنند.

بار اصلی بحران اقتصادی موجود که بخش مهمی از آن ناشی از سیاست ها و برنامه دولت احمدی نژاد نظیر واردات بی رویه، حمایت از بنگاه های زود بازده و نظایر آن بوده، بردوش میلیون ها کارگر و خانواده های آنان قرار گرفته است. بعلاوه با کاهش قیمت نفت در بازار جهانی و به همراه آن کاهش درآمدهای ارزی، بیش از پیش زندگی کارگران و زحمتکشان با دشواری روبرو شده و قدرت خرید و سطح زندگی آنها بیشتر از قبل سقوط خواهد کرد!



### محکومیت به دلیل شرکت در مراسم بیستمین سالگرد فاجعه ملی

دادگاه های انقلاب اسلامی و دیگر محاکم قضایی رژیم ولایت فقیه در پی تشدید فشارهای خود بر جنبش مردمی و فعالان سیاسی، حکم ناعادلانه ای را برای دو تن از دستگیر شدگان مراسم بیستمین سالگرد فاجعه ملی صادر کردند.

به گزارش پایگاه خبری کانون زنان ایرانی سه شنبه ۱۴ آبان ماه، خانم سولماز ایگدر دانشجوی و از فعالان اجتماعی و مدافع حقوق کودک و زنان و نیز آقای امیر امیرقلی دانشجوی دانشگاه قزوین هر دو از سوی دادگاه انقلاب اسلامی به تحمل شش ماه حبس تعزیری محکوم شده اند.

سولماز ایگدر با توجه به نحوه ابلاغ حکم به او اعلام داشت: "از آنجا که حکم مرا شفاهی به من ابلاغ کردند من نیز از امضای برگه ای که به من ارایه دادند، خودداری کردم و منتظر می مانم تا حکم به صورت کتبی ابلاغ شود، چرا که اگر حکم کتبی در اختیار ما قرار نگیرد فرصت درخواست دادگاه تجدید نظر از ما گرفته می شود."

در خصوص احکام ناعادلانه برای دو تن از شرکت کنندگان جوان در بیستمین مراسم فاجعه ملی، پایگاه خبری کانون زنان ایرانی گزارش داد: "سولماز ایگدر براساس احضاریه کتبی که به وی ابلاغ شده روز شنبه بیست و چهارم مهر ماه به شعبه ۳۱ شهر ری در دادگاه انقلاب اسلامی مراجعه کرد اما مسئولان دادگاه از ارایه حکم کتبی به او خودداری کردند و حکم شش ماه حبس تعزیری را به صورت شفاهی ابلاغ کردند. سولماز ایگدر روز جمعه نهم شهریور ماه همزمان با بیستمین سالگرد کشتار زندانیان سیاسی در مقابل گورستان خاوران بازداشت شد و روز نوزدهم شهریور ماه با تامین وثیقه یکصد میلیون تومانی از زندان انفرادی آزاد

ادامه نگاهی به رویدادهای ...

چرا آموزش و پرورش با کسری بودجه مواجه است؟!

در اوایل آبان ماه امسال، هنگامیکه آمار مربوط به افزایش جمعیت بی سواد در کشور انتشار می یافت، علی احمدی وزیر آموزش و پرورش دولت احمدی نژاد در پاسخ به انتقاد از وضعیت حاکم بر این وزارتخانه اعلام داشت: "هم اکنون در بخش بودجه جاری این وزارتخانه با کسری ۸۰ درصدی مواجه هستیم. در هفت ماهه اول امسال ۶۰ هزار میلیارد ریال کسری داریم."

کسری بودجه هنگامی که بزرگترین وزارتخانه جمهوری اسلامی، که طبق آمار رسمی ۱ میلیون و ۱۰۰ هزار کارمند استخدامی رسمی و ۱۰۰ هزار کارمند غیر رسمی مانند معلمان حق التدریسی دارد. آن چنان شدید گزارش شده که به گزارش برخی مطبوعات از جمله اعتماد، این وزارتخانه نه تنها قادر به پرداخت دستمزد به کارمندان خود نیست، بلکه بسیاری از مدارس را در شهرها و روستاها بویژه مناطق روستایی و عشایر تعطیل کرده و یا درصدد تعطیلی آنها است. روزنامه سرمایه ۱۱ آبان ماه امسال با اشاره به کسری بودجه در نظام آموزشی و پیامدهای ناگوار آن خصوصاً رشد بی سوادی و کم سوادی در کشور از جمله نوشت: "در سال ۱۳۷۰ بودجه آموزش و پرورش بیش از ۱۹ درصد بودجه کل کشور را به خود اختصاص می داد و با وجود رشد جمعیت در ۱۸ سال گذشته این بودجه نه تنها افزایش نیافته، بلکه به ۱۱ درصد نیز تقلیل پیدا کرده است، کسری بودجه ۶۰ هزار میلیارد ریالی وقتی بیشتر معنادار می شود که در برابر کل بودجه سال جاری همین وزارتخانه قرار بگیرد که معادل ۶۷۰۰ میلیارد تومان است. جالب اینکه ۹۵ درصد بودجه سالانه موجود فقط صرف حقوق کارکنان می شود و تنها ۵ درصد آن صرف تجهیز مدارس و نوآوری های آموزشی و ... می گردد."

علاوه بر این معاون وزیر آموزش و پرورش نیز اعتراف کرد، در هیات دولت و مجلس به تقاضای اختصاص اعتبار مالی برای جبران کسری بودجه پاسخ منفی داده شده است، دقیقاً همزمان با پاسخ منفی دولت و مجلس برای جبران کسری بودجه آموزش و پرورش، معاون رییس جمهور اعلام داشت، جاده ولایت در داخل کشور احداث می شود و فقط ۶۰ میلیون تومان برای تحقیقات در این زمینه اختصاص یافته است. دولت احمدی نژاد با همدستی برخی بنیادهای انگلی چند صد میلیاردتومان برای طرحی بنام جاده ولایت در نظر گرفته است که مسیر عبور امام هشتم شیعیان از عراق کنونی به سمت شهر مشهد می باشد، قرار است مکان هایی به نام قدم گاه در استان های خوزستان، فارس، سمنان، یزد و خراسان تاسیس شود. رحیم مشایی در این زمینه به روزنامه نگاران در تاریخ ۱۱ آبان ماه خاطر نشان ساخت: "مسیر هجرت از مدینه تا خراسان تحت عنوان جاده ولایت مورد مطالعه قرار گرفته و اعتبار طرح برای انجام مطالعات علمی احداث آن که ۶۰ میلیون تومان بود، به طور کامل پرداخت شده است و بودجه احداث آن نیز آماده پرداخت است."

احداث این جاده تحت عنوان ولایت که فقط به سود ثروت اندوزی بنیادهای انگلی می باشد با کسری بودجه و نبود اعتبارات مالی روبرو نیست. ولی وزارت آموزش و پرورش که باید آینده علمی و ارتقاء سطح آموزشی کشور را پایه ریزی نماید. با کسری بودجه هنگامی دست به گریبان است.

ارتجاع با چنین اقداماتی آینده میهن ما را به چالش گرفته و موجب عقب ماندگی علمی و فرهنگی کشور می شود!

این ۵۵ نفر چه کسانی هستند؟!

با سیاست دولت احمدی نژاد در زمینه واردات بی رویه کالا بویژه کالاهای لوکس مصرفی، در سال گذشته ۵۵ شخصیت حقیقی و حقوقی به ثروت های افسانه ای دست پیدا کرده اند.

روزنامه سرمایه ۱۹ آبان ماه در گزارشی با عنوان، "واردات ۳/۵ میلیارد دلاری توسط ۵۵ نفر"، آمارهای رسمی گمرک جمهوری اسلامی در این رابطه را منتشر ساخت و از جمله نوشت: "آمارهای رسمی گمرک حاکی است واردات خودرو، آهن آلات، شکر، پارچه و تلفن همراه در سال ۱۳۸۶، با رقمی حدود ۵ میلیارد و ۳۲۷ میلیون دلار در اختیار ۵۵ شخصیت حقیقی و حقوقی است. آمارهای رسمی گمرک حاکی از این است که ۵۵ نفر در سال ۱۳۸۶ واردات پنج قلم کالا را به خود اختصاص داده بودند."

طبق این گزارش مبتنی به آمارهای رسمی گمرک جمهوری اسلامی واردات خودرو با ۳۹۵ میلیون دلار توسط ۱۰ نفر، واردات شکر در اختیار ۱۵ نفر، واردات آهن آلات به ارزش بیش از ۲ میلیارد دلار بوسیله ۱۰ نفر، تلفن همراه توسط ۱۰ نفر و واردات پارچه به ارزش ۱۹۶ میلیون و ۹۱۴ هزار دلار بوسیله ۱۰ نفر، صورت پذیرفته این ارقام بدون محاسبه سود این ۵۵ شخصیت حقیقی و حقوقی اعلام شده است.

در گزارش گمرک ایران در خصوص واردات آهن آلات آمده است: "ارزش کل واردات آهن آلات، چدن و پولاد در سال ۱۳۸۶ به ۸۴ هزار و ۷۵۴ میلیارد ریال، معادل ۹ میلیارد و ۱۲۶ میلیون دلار رسید. آمارها حاکی است که در سال ۱۳۸۶ هر یک از ۱۰ وارد کننده آهن آلات، چدن و پولاد، به طور متوسط ۲۲۸/۱۵ میلیون دلار از ارزش واردات این اقلام را به خود اختصاص دادند."

به این ترتیب دولت مدعی عدالت محوری، دولتی که با وعده مبارزه با چپاول بر سرکار گمارده شده است، "مهرورزی" و "عدالت محوری" خود را فقط شامل حال عده معدودی تاجر بزرگ و آزمند کرده و پهای آن نیز فقر و تیره روزی مردم و در راس آنها کارگران و زحمتکشان است. ۵۵ شخصیت حقیقی و حقوقی بی شک وابستگان رژیم، آقازاده ها، شرکت های سپاه پاسداران و بنیادهای انگلی و غارتگر هستند که در سایه سیاست های ارتجاع حاکم به ثروت های باد آورده و افسانه ای رسیده اند و در مقابل تولید ملی نابود شده و میلیون ها ایرانی در چنگال فقر گرفتار هستند. این نتیجه دستاورد دولت ضد مردمی احمدی نژاد است!

آزادی برای همه زندانیان  
سیاسی ایران!

ادامه وظایف دشوار و تاریخی ...



قابل اسلامی شدن نیست. دانشگاه وقتی اسلامی است که دانش آن اسلامی باشد، علم سکولار، دانشجوی سکولار تربیت می کند.

چنین دیدگاه واپس مانده ای درصدد است با خسونت ریشه مبارزه جویی جنبش دانشجویی کشور را بخشکاند. دردوره کنونی با توجه به صحنه بغرنج سیاسی کشور و یورش های سازمان یافته

پی درپی نیروهای انتظامی و ارتجاع به جنبش دانشجویی، حفظ هوشیاری و گریز از دام ها و توطئه ارتجاع حاکم یک ضرورت انکار ناپذیر به شمار می آید. رژیم ولایت فقیه می کوشد، توان و نیروی جنبش دانشجویی را به تحلیل برده و مانع حضور آن در تحولات مهم سیاسی آینده شود. تلاش برای منزوی ساختن، تشتت و انشقاق در این جنبش موثر اجتماعی از از جمله برنامه های ارتجاع حاکم است. جنبش دانشجویی زمانی می تواند نیرو و امکانات خود را در برابر اعمال فشار هدمند ارتجاع حاکم حفظ نماید که از مجموعه جنبش دموکراتیک و سراسری مردم جدا نماند. جدا ساختن دانشجویان از مسیر مبارزه و قطع پیوند آن با جنبش مردمی از هدف های اصلی مرتجعان است که باید با درایت و تیزبینی خنثی شود.

جنبش دانشجویی همواره بخشی از مبارزات همگانی و سراسری مردم ما قلمداد می شود که می تواند بنابر ماهیت و توانش وظایف معینی را بردوش بگیرد. این جنبش از مبارزات سراسری تغذیه می کند، مسایل ویژه خود را فراموش نمی کند و به نوبه خود در تقویت جنبش سراسری برضد دیکتاتوری نقش ایفا می کند.

در این زمینه، به ویژه مبارزان جوان چه باید با تقویت روحیه رزمندگی، ایستادگی و مبارزه خستگی ناپذیر جنبش دانشجویی و تحکیم پیوند آن با مبارزات سراسری نقش مهمی را در جنبش دانشجویی ایفاء کنند. مبارزه برای اتحاد جنبش دانشجویی ضمن حفظ نظرات و دیدگاه های مختلف اعم از ملی، مذهبی و چه یک الویت غیر قابل چشم پوشی است، که شعار اتحاد، مبارزه، پیروزی بر آن دلالت می کند.

درافق سیاسی میهن ما از هم اکنون تحولات و تغییرات پرمعنایی نمایان شده که وظایف دشوار و تاریخی را بردوش جنبش مردمی و جنبش دانشجویی به عنوان بخش جدایی ناپذیر آن قرار می دهد. می باید نیرو، امکانات و توان خود را برای رویارویی با این تحولات مهم حفظ و تجهیز کنیم. حزب ما برای نقش جنبش دانشجویی در تحولات حال و آینده میهن اهمیت فراوانی قایل است و به مبارزه قهرمانانه و دلاورانه دختران و پسران دانشجو به دیده تحسین می نگردد.

اوضاع کنونی وظایف خطیری را بردوش جوانان و دانشجویان، خصوصا دانشجویان مردمی و چه این فرزندان برومند توده های محروم جامعه قرارداده است. جنبش دانشجویی در مبارزه سرنوشت ساز برضد ارتجاع و استبداد و برای آزادی، عدالت اجتماعی و طرد رژیم ولایت فقیه یک نیروی موثر، کارآمد و پرتوان انقلابی است، ارزش و اعتبار آن را چون مردمک چشم حفظ کنیم و مانع تضعیف و پراکندگی آن شویم!

فرخنده باد ۱۶ آذر روز دانشجو!  
 درود پر شور به جنبش دانشجویی قهرمان ایران!  
 افتخار جاوید به شهدای جنبش دانشجویی ایران!

درکنار مردم قرار گرفت و تا به امروز از گردان های اصلی جنبش های آزادی خواهانه ملی و دموکراتیک مردم ایران محسوب شده و می شود. یکی از مهمترین ویژگی های جنبش دانشجویی کشور ما، پیوند آن با مبارزات سراسری مردم است. دانشجویان در فراز و فرودهای مبارزاتی مردم به طور مستقیم و غیر مستقیم نقش و حضور داشته اند.

نام گذاری ۱۶ آذر به نام روز دانشجو و طنین شعار "اتحاد، مبارزه، پیروزی"، به عنوان ندایی برای اتحاد عمل همه نیروهای آزادی خواه میهن، خود بهترین گواه بر این پیوند و ارتباط سرشتی و ناگسستنی است!

در پی کودتای آمریکایی-انگلیسی ۲۸ مرداد، دانشجویان در اعتراض به تجدید روابط ایران با امپریالیسم انگلیس، روابطی که دردوران حکومت ملی دکتر محمد مصدق و با اعلام قانون ملی شدن صنعت نفت ایران از سوی اکثریت قاطع مردم ایران رد و طرد شده بود، و نیز سفر ریچارد نیکسون به تهران و محاکمه غیر قانونی مصدق، باخواست آزادی زندانیان سیاسی، دست به اعتصاب زدند. در روزهای ۱۵ و ۱۶ آذر دانشجویان با شعارهای "مرگ بر دیکتاتوری"، "مرگ بر استعمار و آزادی برای زندانیان سیاسی" و شعار تاریخی و با ارزش "اتحاد، مبارزه، پیروزی" صدای اعتراض خود را بر ضد رژیم کودتا بلند کردند.

همزمان با اعتصاب، نظامیان که به دستور حکومت نظامی، دانشگاه را اشغال کرده بودند، به روی دانشجویان آتش گشودند، سه تن از آنان، رفیق مصطفی بزرگ نیا عضو کمیته مرکزی سازمان جوانان حزب توده ایران، رفیق مهدی شریعت رضوی عضو سازمان جوانان حزب توده ایران و احمد قندچی دانشجوی هوادار جبهه ملی ایران به شهادت رسیدند. بدین سان ۱۶ آذر با خون سه دانشجوی رزمنده و از پیوند مبارزه دانشجویان با پیکار سراسری ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی و در امتداد اتحاد و همبستگی و زیر شعار اتحاد، مبارزه، پیروزی، روز دانشجو نام گذاری گردید.

جنبش دانشجویی کشور نقش مهمی را در مبارزات انقلابی مردم میهن ما در دهه ۱۳۵۰ و سرانجام پیروزی انقلاب بهمن ۱۳۵۷ ایفاء کرد. در پی پیروزی انقلاب و با وجود همه فشارهای نیروهای ارتجاعی برای از میدان بدر کردن دانشجویان، جنبش دانشجویی با پابندی به سنن مبارزاتی خود در مبارزه با استبداد حاکم نقش بسیار فعالی بردوش داشته و همچنان دارد. نقش فعال و تحسین برانگیز جنبش دانشجویی کشور در جریان انتخابات ریاست جمهوری دوم خرداد ماه ۱۳۷۶، و شکست سنگین ناطق نوری، به عنوان نماینده مستقیم خامنه ای، از جمله دست آوردهای دهه های اخیر جنبش دانشجویی کشور است. خیزش ۱۸ تیرماه سال ۱۳۷۸، در مخالفت و مقابله با تعرضات نیروهای ارتجاعی به روزنامه های منتقد کشور، که با سرکوب خونین مزدوران و انصار ولی فقیه رو به رو شد، نشانگر رشد کیفی-سیاسی جنبش دانشجویی کشور و توان این نیروی اجتماعی برای مبارزه با برنامه های تاریک اندیشان حاکم بود. دقیقا به دلیل این توان جنبش دانشجویی بود که با روی کار آمدن دولت ضد مردمی احمدی نژاد، ارتجاع حاکم تمام کوشش و نیروی خود را برای مهار، خنثی سازی و در انتها نابودی جنبش دانشجویی به کار گرفت.

در طول ۲ سال اخیر، ارتجاع با اعمال فشارهای سیستماتیک و هدفمند و با استفاده از روش های گوناگون از جمله: احضار به کمیته های انضباطی، محرومیت از ادامه تحصیل فعالان دانشجویی، نصب دوربین های مدار بسته در دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی، نصب درواز های امنیتی در جلوی ورودی اصلی دانشگاه تهران، اخراج و تعلیق ترم های تحصیلی، جدا سازی جنسیتی، سهمیه بندی قومی در آزمون سراسری، دستگیری، محاکمه و زندان و شکنجه دانشجویان، و ایجاد تفرقه در صفوف دانشجویان، تلاش کرده این جنبش پرتوان را که نقش با اهمیتی در جنبش سراسری مردمی بردوش دارد، به زانو درآورده و به انفعال و پراکندگی و در مرحله آخر به زعم خویش نابود نماید. یکی از آخرین ترفندهای رژیم ولایت فقیه که دولت ضد مردمی احمدی نژاد مجری آن قلمداد می شود، تبلیغات زهرآگین و سم پاشی به نام مراجع مذهبی بر ضد دانشگاه ها و جنبش دانشجویی است. به عنوان نمونه پایگاه خبری "شهاب نیوز"، ۱۵ آبان ماه، از قول یکی از روحانیون حکومتی نوشت: "علم فعلی دانشگاه ها یک لاشه مرده و سکولار است" شهاب نیوز از قول جوادی آملی گزارش داد: "علمی که در دانشگاه ها تدریس می شود، لاشه مرده ای است که

## ادامه فقط ما می توانیم ...

## سپاه، بسیج و نیروی انتظامی برای سرکوب

## آماده می شوند

گشت های عملیاتی و پست های بازرسی سپاه و بسیج که چندی پیش در شهرهای بزرگ و اصلی کشور برچیده شده بود با سازماندهی جدید منطقه ای سپاه پاسداران و درآستانه انتخابات دوره دهم ریاست جمهوری دوباره آغاز گردید و به این ترتیب سپاه و بسیج به عنوان ارگان های سرکوبگر رژیم ولایت فقیه با ایجاد جو رعب و وحشت و پامال ساختن حقوق دموکراتیک فردی و اجتماعی افراد به شکل آشکارتری حضور خود در صحنه سیاسی کشور به سود استبداد و ارتجاع حاکم وبه زبان توده های وسیع مردم را برملا می سازند.

در این باره خبرگزاری فارس ۱۰ آبان ماه اعلام داشت: "فرمانده سپاه محمد رسول الله تهران بزرگ از آغاز کار گشت های عملیاتی در سطح تهران بزرگ خبر داد، سردار عبدالله عراقی اظهار داشت، از ۳ ماه قبل به انجام آزمایش این طرح اقدام کردیم..... با بررسی معایب و محاسن و جمع بندی کامل آن، دستورالعمل نهایی گشت های عملیاتی بسیج، روز سه شنبه، هفتم آبان ماه به تمام رده ها ابلاغ شد."

وی سپس به خبرگزاری فارس تاکید می کند: "این طرح بنابه دستور فرمانده کل قوا (علی خامنه ای) است. نیروهای بسیج با همکاری نیروهای انتظامی، سرکلانتری ها و مقامات قضایی، امنیت را در محله های شهر تهران ارتقا خواهند داد. با اجرای این طرح در هر محله، چند تن از نیروهای بسیج در ساعات پایانی شب به گشت زنی خواهند پرداخت....."

در عین حال خبرگزاری ایسنا نیز گزارش داد، فرمانده نیروهای بسیج یادآور شده گشت های امنیتی بسیج از ساعت ۱۲ شب تا ۶ صبح در مرحله اول و در صورت نیاز از ساعت ۱۰ شب تا ۶ صبح در سطح محلات فعال خواهند بود. گشت های مذکور بطور دائم فعال باقی خواهند ماند و پست های ایست و بازرسی نیز دایر شده و خصوصا در موارد بحرانی با تجهیزات کامل برقرار می شود.

بازگشت اوباشان بسیجی به صورت گشت های امنیتی در سطح شهرهای بزرگ بویژه تهران کاملا مفهوم سیاسی و امنیتی داشته و برخلاف تبلیغات فرماندهان سپاه که این گشت ها برای تامین امنیت اجتماعی و مبارزه با جرایم و قاچاق مواد مخدر است، در خدمت اهداف ارتجاع حاکم و به منظور ایجاد رعب و وحشت و تاثیرگذاری بر روندهای سیاسی کشور سازمان داده شده است!

ارتجاع حاکم درهراس از گسترش ناراضیاتی اجتماعی و خواست تغییر اوضاع که در جامعه ایران در لحظه کنونی فوق العاده قوی است، با به راه اندازی گشت های امنیتی بسیج برای مردم و نیروهای سیاسی آزادیخواه و خواستار تحول خط و نشان می کشد. امنیتی ساختن فضای جامعه با نصب دوربین های مدار بسته که جانشین فرمانده نیروی انتظامی در مصاحبه ای به تاریخ ۲۷ مهرماه راه اندازی آنها در خیابان های تهران و دیگر شهرهای بزرگ را اعلام کرده بود و آغاز فعالیت گشت های امنیتی بسیج با هدف سیاسی مشخص صورت می گیرد. مرتجعان حاکم و ارگان های سرکوبگر و ضد مردمی مانند سپاه و بسیج از آنجا که قادر به تحقق وعده های خود به مردم نیستند و دولت برگمارده آنها، دولت ضد ملی احمدی نژاد در کلیه عرصه ها ناتوانی و ضعف خود را آشکار ساخته و درصد هستند با ماجراجویی و ایجاد فضای رعب و وحشت نظیر رزمایش نیروهای انتظامی در شهر تهران که طی آن هزاران پلیس آموزش دیده آمادگی برای سرکوب را کسب می کنند، جنبش مردمی را در موضع تدافعی و ضعف قرار دهند. اقدامات اخیر سپاه، بسیج و نیروی های انتظامی خصوصا رزمایش شهری یگان های ضد شورش در تهران، کاملا در راستای اهداف ارتجاع حاکم است و یگانه راه مقابله با چنین اقداماتی، مبارزه مشترک، متحد و افشای پیگیرانه ترند های ارتجاع با استفاده از همه گونه امکانات در چارچوب وضعیت موجود است!

بحران سرمایه داری، یعنی جنگ و رکود اقتصادی، که رئیس جمهور جدید در روزهای آغاز کار خود با آنها دست به گریبان خواهد بود نیز نقش تعیین کننده ای در آینده سیاسی او دارند. در واقع، این عوامل بر روی تمام عرصه های سیاست مؤثر خواهند بود، از جمله بر روی شرایط فعالیت جنبش ضد جنگ، بنابراین، دگرگونی های چند ماه اخیر - یعنی فروریزی نولبرالیسم، بن بست شدت یابنده جنگ امپریالیسم آمریکا، و انتخاب اوباما - همگی نگاهی تازه را به نحوه کار جنبش ضد جنگ می طلبد. لزومی ندارد که خواسته های مرکزی و اصلی ما تغییر کند. جنگ در عراق و افغانستان ادامه دارد، و خطر گسترش آن به سوریه، پاکستان یا ایران روشن است. استراتژی کلی ما برای بسیج توده های مردم به شکل های گوناگون نیز لازم نیست کنار گذاشته شود. موضوع این است که علاوه بر وضعیتی که در نتیجه مقاومت در برابر اشغال در این کشورها شکل گرفت، بسیج مردمی نیز به عقب نشینی گام به گام سیاسی جنگ طلبان کمک کرده است. اما اکنون با تغییر اولویت ها در میان توده های میلیونی مردم و بسیاری از نیروهای چپ در ارتباط با مسائل اقتصادی که بیش از پیش برجسته می شوند، و نیز با توجه به درک و احساس متفاوت مردم آمریکا در دوره ریاست جمهور جدید، ما هم باید عملکردمان را دوباره ارزیابی کنیم.

به این ترتیب، پیشنهاد من این است که در وهله نخست، جنبش ضد جنگ باید امر ضرورت پایان دادن به جنگ را هر چه بیشتر به راهبردهای حل و فصل بحران اقتصادی پیوند بزند، و نه فقط هزینه سرسام آور اشغال ها را برجسته کند، آن هم در زمانی که میلیون ها تن "در وطن" با از دست دادن کارشان یا مسکن شان (ضبط توسط وام دهندگان) به علت ناتوانی نظام سرمایه داری دست و پنجه نرم می کنند، بلکه بر این امر نیز تاکید کند که چگونه جنبه سیاسی کساد اقتصادی منجر به رقابت شدیدتر بر سر کسب بازار و سود، و در نتیجه مناقشات بین المللی منجر می شود.

علاوه بر این، ما باید جنبش ضد جنگ مان را با امیدی که در میان توده های میلیونی مردم در پی انتخاب اوباما پیدا شده است همساز کنیم. بی تردید برخی از این امیدها توهم از کار خواهند درآمد، و هیچ ضرری ندارد که همین حالا توجه مردم را به این خطر جلب کنیم.

اما قطع امید کردن از اوباما پیش از این که پا به کاخ سفید بگذارد، آن هم به بهانه های سوسیالیستی، این خطر را دارد که جنبش را از واقعیت های زندگی سیاسی دور می کند. صرفا حذف کردن "بوش" از پلاکاردها و جایگزین کردن آن با "اوباما"، شوخی گرفتن کار است. فقط آن مردمی که هفته پیش در سراسر دنیا هلله و شادمانی کردند در نهایت می توانند در مسئله صلح و جنگ تعیین کننده باشند. به همین دلیل است که باید با راه اندازی جنبش های توده ای بسیج گر، امیدهای مردم را به انرژی بالنده سیاسی تبدیل کرد. پیش از هر چیز، این است وظیفه جنبش ضد جنگ.





بُرد سیاست عدم توجه مطلق به منافع دیگران اینک هر چه محدودتر شده است.

میزان و حد و حدود قدرت آمریکا در جریان بحران گرجستان معلوم شد. خیلی‌ها این رویداد را نشانگر پایان دوران "تک قطبی" دانستند؛ دورانی در سیاست بین‌المللی که در آن ابرقدرت آمریکا بی‌شرمانه و بدون هیچ ملاحظه‌ای به همه جای

کره زمین قدم می‌نهاد و حاکمان واشنگتن در هر جای دیگری که می‌خواستند به هر کاری که میل‌شان بود دست می‌زدند. اگر بگوییم که مقاومت در عراق نقطه آغازی بر پایان تاخت و تاز یک‌جانبه‌گرایی متکبران بود، می‌شود گفت که جنگ منطقه قفقاز به روشنی محدودیت این رویکرد را نشان داد.

البته این فقط تغییری نسبی است. اگر پزیدنت اوباما بخواهد جنگی راه بیندازد، فاقد وسایل لازم برای آن نخواهد بود. اگرچه بحران بودجه میزان خرج کردن‌های پنتاگون را محدود کرده است، اما هنوز پول زیادی برای یک بمباران اینجا و یک نیمچه اشغال آنجا باقی مانده است. البته دنیا هم فقط تا حدی می‌تواند چندقطبی باشد، و آن حد آنجاست که مخارج نظامی همه افزایش می‌یابد ولی باز هم به پای میزان دلاهای مصروف در ماشین جنگی آمریکا نمی‌رسد.

با وجود این، اولویت سیاسی اصلی اوباما ناگزیر رسیدگی به معضل کسادی اقتصادی یا تلاش در آن جهت خواهد بود. میلیون‌ها رأی دهنده‌ای که او را به کاخ سفید رساندند و دموکرات‌ها را در موقعیت کنترل قاطع هر دو مجلس کنگره آمریکا قرار دادند، به آسانی تن به سیاستی نخواهند داد که اسلحه را مقدم بر نان بدانند، و دور نگاه داشتن روسیه از کریمه را مقدم بر سرپا نگه داشتن جنرال موتورز. جنیش عظیم ضد جنگ در آمریکا نقش مرکزی در تعیین این امر خواهد داشت که آیا اوباما امیدی را که مردم در ارتباط با نقش آمریکا در جهان به او دارند، برآورده خواهد کرد یا نه. فشار توده مردم برای مطرح نگاه داشتن امری که سیاست متعارف به آن نمی‌پردازد، ادامه خواهد یافت. اما زوج کریمه

ادامه در صفحه ۷

فقط ما می‌توانیم آینده‌ای

عادلانانه را رقم بزنیم

نوشته اندرو موری، صدر ائتلاف "به جنگ پایان دهید"

بر همگان روشن است که لیبرال‌ترین رئیس‌جمهوری که آمریکا در ۳۰ سال گذشته برگزیده است، زمانی زمام امور را به دست می‌گیرد که بحران تشدید یابنده‌ای آمریکا و جهان را در بر گرفته است. باراک اوباما از سلف متجاوز و بی‌کفایتش نه صلح به ارث می‌برد و نه رونق و شکوفایی.

آنچه تعیین کننده عملکرد دولت اوباما خواهد بود، خط و خطوط نقشه اقتصادی و سیاسی در حال تغییر جهان، و در کنار آن، اعلام سیاست‌هایی مشخص و گاهی مبهم از جانب او در ارتباط با امور بین‌المللی است. سردمداران رده بالای امپریالیسم آمریکا به خوبی به این امر واقف‌اند.

اگرچه شاید بتوان گفت نامزدی اوباما به شکل نوعی تمرّد علیه واشنگتن، و به ویژه تظاهری از مخالفت توده‌ای با جنگ عراق آغاز شد، اما زمانی که آب‌ها از آسیاب افتاد، این تحرک توسط بخش‌های حساس دستگاه گرداننده کشور تحت کنترل در آمده بود. همه می‌دانند که او علاوه بر شماری از شخصیت‌های برجسته جمهوری خواه، از حمایت نخستین وزیر خارجه بوش، کالین پاول، نیز برخوردار شد؛ مردی که از او برای همیشه به عنوان کسی یاد خواهد شد که برای پیش‌برد تجاوز علیه عراق، ادعاهای دروغینی را در سازمان ملل ارائه داد. درک دلیل این پشتیبانی‌ها هم چندان دشوار نیست. آنها می‌دانند که نخبگان و گردانندگان آمریکا اگر بخواهند به تأمین و تضمین مقاصدشان در خاورمیانه و نقاط دیگر دنیا امیدی داشته باشند، می‌بایست چهره‌ای مقبول‌تر به جهان نشان دهند. هر چه باشد، اگر قرار شود که برای تأمین منافع دستگاه حاکم آمریکا و اسرائیل به ایران حمله شود، چه کسی بهتر از یک رئیس‌جمهور جدید با انبانی از سرمایه سیاسی در بانک‌های خانگی و جهانی برای تصمیم‌گیری در این مورد و اعلام آن. از این لحاظ، چهره تازه کاخ سفید خود می‌تواند تجسم خطری تازه باشد.

حتی پیش از آغاز بحران اقتصادی هم نیاز به کمی تغییر دیده می‌شد. دو سال پیش، گزارش بیکر-همیلتون در مورد عراق، که جورج بوش به طور کلی ناپدهاش گرفت، حاکی از آن بود که دست‌کم بخشی از دستگاه دولتی واشنگتن به طور جدی در مورد رویکرد و طرز برخورد یک‌جانبه و بی‌پروای نومحافظه‌کاران تردیدهایی دارند. امروز، در حالی که بحران مالی‌ای دنیا را در بر گرفته است که به طور عمده ریشه در زیاده‌خواهی و سودطلبی سیری‌ناپذیر سرمایه‌داری آمریکا دارد،

کمک مالی رسیده

۵۰۰ کرون

به یاد رفیق افضل‌ی از ایران

۱۰۰۰ کرون

به یاد رفیق شهید مرتضی کیوان

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس‌های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

- 1. Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany آدرس‌های پستی:
- 2. B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
- http://www.tudehpartyiran.org آدرس‌های اینترنتی و "ای-میل"
- E-Mail: dabirxhaneh\_hti@yahoo.de

Nameh Mardom No. 804  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

Saturday 22nd November 2008

شماره فاکس و تلفن  
پیام گیر ما

۰۰۴۹۳۰  
۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRANe.V.  
شماره حساب 790020580  
کد بانک 10050000  
بانک Berliner Sparkasse